

درباره تجمع هایی که این روزها در اصفهان و چهارمحال وبختیاری اتفاق افتاده است

مدیریت ملی منابع آب محال نیست

همین صفحه را بخوانید

روزنامه خبری، تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
توران و واحدهای
دانشگاهی Fdn
شهرستانها Fdn توران

شماره مسلسل ۲۲۰۴
چهارشنبه ۳ آذر ۱۴۰۰
۱۸ ربیع الثانی ۱۴۴۳
۲۴ نوامبر ۲۰۲۱
شماره ۳۴۶۶

گروسی در دیدار با وزیر خارجه ایران متعهد شد
آژانس در مساله ایران فقط نگاه فنی داشته باشد

چماق مذاکرات قول داد

صفحه ۲ را بخوانید

www.Fdn.ir | Wed | 2 Pages

اظهارات مه‌ران مدیری درباره بازی در فیلم «درخت گردو» ابهام‌های جدیدی پیرامون نسبت هنرمندان و اسپانسرها ایجاد کرده است

گروگانگیری اسپانسرها؟

صفحه ۱۴ را بخوانید

«فرهیختگان» اثر حذف ارز دولتی بر چند کالای اساسی را بررسی می کند

تجربه‌های تلخ حذف یارانه کالاها سر سفره مردم

«»

«فرهیختگان» گزارش می دهد

در جست وجوی ایده‌های دانشگاه برای حل ترافیک

«»

درباره تجمع هایی که این روزها در اصفهان و چهارمحال وبختیاری اتفاق افتاده است

مدیریت ملی منابع آب محال نیست

می دانیم که بحران آب بحران کوچکی نیست. می شود گفت بزرگ‌ترین بحران خاورمیانه در سال‌های آینده و بزرگ‌ترین بحران سیاسی ایران در آینده خواهد بود، چرا در این سال‌ها استراتژی صنعتی و اداره کشور چه براساس توزیع درستش و چه براساس این توزیع غلطی که الان دارد، اصولاً به‌سمتی رفته که محیط‌زیست به‌صورت عجیب و غریبی غارت می‌شود و دچار بی‌توجهی است. گویی که آیندگان اصلاً مهم نیستند و هیچ سهمی از زیستگاه‌شان ندارند و ما می‌توانیم هر آنچه را برای آیندگان هست غارت کنیم. واقعیت این است که توسعه صنعتی در اصفهان و یزد و حتی در کرمان اینها همه توسعه صنعتی به‌ضد محیط‌زیست هستند و به هر شکلی امروز مساله ساماندهی شود همچنان بحرانی خواهد بود و هیچ فرقی نمی‌کند که شما این بحران را از یزد به اصفهان ببرید یا از اصفهان ببرید به سیستان و بلوچستان یا به هر جای دیگر. این بحران هست، وجود دارد، مثل این است که آتش را از یک دست به دست دیگر بدهید. این یک وضعیت عمومی است که نشان می‌دهد توسعه صنعتی و تجاری کشور علیه محیط‌زیست طراحی شده و امروز بحران ایجاد کرده و هم امروز و هم آینده را بحرانی کرده است. حالا مساله این است که در رابطه با این بحرانی که بحران آینده ما و خاورمیانه است چه کار می‌خواهیم بکنیم؟ من فکر می‌کنم به‌جز تحول جدی در ایده حکمرانی که همخوان و هم‌سنگ بشود با بوم‌زیست و اقلیم ما، هیچ راه دیگری برای کنترل این بحران وجود ندارد. اصولاً ساختار اداره کشور ما ضد محیط‌زیست است. چرا؟ چون ایده مبتنی‌بر یک‌جور سرمایه‌داری صنعتی-مالی شکل گرفته است و این سرمایه‌داری صنعتی-مالی اصولاً یک سرمایه‌داری عمیقاً ضد محیط‌زیست است و نه تنها ایران بلکه چین را هم بحرانی کرده است. بلکه آمریکا را هم بحرانی کرده است. این یک بحران جهانی است که منجر به گرمای زمین، کرونا و هزار بدبختی دیگر در وضعیت کلی انسانی شده است.

ادامه در صفحه ۱۶

هم صحبت می‌کنیم آلودگی هوا در اردکان بالاتر از حد مجاز است، بارگذاری صنایع در مرکز ایران بسیار بالاتر از ظرفیت این مناطق است و اگر فکر کنیم که با انتقال آب می‌توان این مشکلات را حل کرد، واقعاً درست نیست و نمی‌توان و نباید چنین تصویری داشت. ما باید این مساله را حل کنیم و به فهمی برسیم که آن فهم فارغ از مصلحت‌های سیاسی بر مبنای نیازهای امنیت غذایی در کشور ما باشد که می‌گوید در چه استانی چه نوع توسعه‌ای می‌تواند نیازهای مردم را براساس توان‌های اقتصادی، اجتماعی، اقلیمی و اکولوژیکی فراهم کند. ما باید دست برداریم از اینکه آب را از یک استان به استان دیگر ببریم و بر مبنای این آب قرضی برنامه‌ریزی هم بکنیم. این آب قرضی در کشوری که درگیر تغییرات اقلیمی است، درگیر خشکسالی شدید است و... یک ریسک بسیار شدید است. کاری که ما کردیم این است که یک وام با بازپرداخت ۳۰ درصد گرفتیم که یک بی‌زی‌نسان آن آب‌دار ایجاد کنیم، یک دفعه دچار بحران شدیم و آن توقع برآورده نشد. الان ما در چنین وضعیتی هستیم.»

هیچ راهکاری جز تحول در حکمرانی نداریم
سیدمجید حسینی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران در تبیین وضع موجود از منظر اقتصاد سیاسی به «فرهیختگان» گفت: «چند نکته اینجا مطرح است. نکته اول اینکه ما چرا در سازمان حکمرانی مسیر مشخص و قاعده‌مندی برای اعتراضات و مطالبات تا حدی که به انفجار و کف خیابان نکشد، نداریم. این اعتراضات و انتقادات که به کف خیابان می‌کشد و تا حد ملی گسترش می‌یابد، از قبل خواسته‌های کوچکی بوده و آرام آرام شکل گرفته است. چگونه است که هیچ مسیر سامان‌یافته و نظام‌مند برای طرح مطالبات نیست؟ نکته دوم اینکه اصولاً چرا استراتژی توسعه کشور بر ضد محیط‌زیست بالاخص استراتژی توسعه صنعتی ایران بر ضد توزیع آب شکل گرفته است؟ به هر حال ما

است. پس اگر محدودیت سرمایه‌گذاری در مرکز ایران را که آب هست رفع کنیم، بهتر است که سرمایه‌گذاری‌های راهبردی و استراتژیک را در مرکز ایران متمرکز کنیم. این نگاهی است که پدافند غیرعامل و نگاه‌های امنیتی تجویزش می‌کنند. این نگاه در دورانی تأمل‌برانگیز هم بود، مثل دوران جنگ تحمیلی که تمام مراکز صنعتی و استراتژیک‌مان که در غرب کشور بود آسیب دیدند و آنهایی که در مرکز بودند، کمتر آسیب دیدند. خب آن ایام جنگ شمایل متفاوتی داشت، خبری از موشک و پهپاد و... نبود. الان کره شمالی، آمریکا را تهدید می‌کند و... الان تفاوتی بین نقاط مرکزی و مرزی نیست. براساس آن ایده و باور ما توسعه را طراحی کردیم. من اعتقادی ندارم که نیت خبیثی پشت این ماجراها بوده باشد. من بیشتر احساس می‌کنم اتفاقاً نیت‌ها خوب هم بوده اما این نیت‌های خوب توأم با تخصص و احترام به علم و آمایش سرزمینی نبوده است و این خوب به‌تنهایی شد دوستی خاله خرسه که ضررش بیشتر از یک دشمن دانا بود. ببینید بیشتر نیروگاه‌های ما در مرکز ایران هستند درحالی که در تمام دنیا این نیروگاه‌ها در اطراف منابع آبی و دریاها ایجاد شده‌اند. حالا به‌خاطر مسائل خاص خیلی این مسائل را مطرح نمی‌کنند. در قم، اراک و... نیروگاه‌هایی داریم که بسیار پرمصرف هستند اما خب هیچ‌وقت مطرح نمی‌شوند. بخش زیادی از آبی که از کارون و دز به قم و... می‌رود، فقط برای قم نیست که، به اسم قم هست اما خب در همین نیروگاه‌ها صرف می‌شود. یزد هم همین‌طور. طبعیانی، نماینده مردم یزد در گفت‌وگویی اشاره کرد که من نماینده مردم هم نمی‌دانم آبی که برای یزد می‌رود، دقیقاً کجا مصرف می‌شود؟ در کل ما براساس یک تفکر غلطی فکر کردیم مرکز امن‌ترین جا برای سرمایه‌گذاری است. بعد به این فکر افتادیم که برای مرکز آب تأمین کنیم، از سرشاخه‌های کارون، سرشاخه‌های دز، اگر نشد از خلیج فارس، نشد از دریای خزر و... الان که ما داریم با

به خیابان‌های شهر کرد آمدند و همان چیزی را گفتند و خواستند که اصفهانی‌ها فریاد می‌کشیدند، یعنی آب! البته این بار و در چهارمحال وبختیاری، شعارها متأسفانه کمی قومیتی‌تر شد. چهارمحال وبختیاری، دومین قطعه و تکه این داستان بود و است که اعتراضش به گوش رسید اما آیا سکانس آخر است؟ بگذارید از روایت‌ها بگذریم و به طرح مساله به‌صورت جدی‌تر برسیم. به حد فهم و وسع، آنچه عیان است و می‌توان از وضع موجود استنباط کرد و تمام این ناملامتی‌ها و مصائب و اعتراضات را به آن گره زد، مساله تعارض منافع و نبود یک ساختار، سیاست یا سند برای بهره‌برداری صحیح از منابع هر استان و منطقه به‌اندازه توان آن منطقه است. فلان رئیس و مدیر و معاون، فلان دیدگاه و استراتژی، فلان برآورد و چشم‌انداز، مادامی که بر مدار سیاست‌های سرمایه‌دارانه، سیاست‌های سنتی و سیاست‌های انتفاعی مدیران و مسئولان تنظیم شود، آورده‌ای جز وضعیت موجود، نابودی منابع و امکانات، توسعه نامتوازن و نامطلوب و اعتراضات و ناراضی‌های عمومی و اجتماعی ندارد.

وضعیت فعلی ما حاصل تفکر سنتی و نیت‌های خوب، اما بدون علم و تخصص است

با این اوصاف و به‌منظور تحلیل بهتر وضعیت موجود، گفت‌وگویی با سه نفر از اساتید و صاحب‌نظران داشتیم تا ضمن تایید و تصدیق این مدل از حکمرانی بر پایه تعارض منافع و بلایی که بر سر ایران، خصوصاً فلات مرکزی آمده، دلایل مهم دیگر را هم بازخوانی کنیم. ابتدا محمد درویش، فعال و پژوهشگر محیط‌زیست با به چالش کشیدن تفکرات سنتی و غیرعلمی گذشته و حال مسئولان و تصمیم‌گیران در جانمایی صنایع و... در کشور، به «فرهیختگان» گفت: «اصل ماجرا به‌نظر من تفکری است که معتقد است مرکز ایران جای امن‌تری برای توسعه است و ریسک سرمایه‌گذاری در مرکز ایران کمتر



ابوالقاسم رحمانی

دبیر گروه جامعه

موضوعی که قصد نوشتنش را دارم، اولین بار از زبان یک راننده تاکسی اینترنتی اصفهانی شنیدم و حالا هم به‌عنوان تحلیل، اینجا ارائه می‌کنم. شب بود، حوالی ساعت ۹، تازه از تماشای میدان نقش جهان فارغ شده بودم، بایکی از این نرم‌افزارهای تاکسی اینترنتی ماشین گرفتم که به خوابگاه برگردم. خیلی زود موفق شدم و آرام آرام به موقعیت تاکسی در یکی از خیابان‌های اطراف میدان نزدیک می‌شدم. آن شب، هنوز مثل الان خیلی‌ها حتی از اعتراض کشاورزان و دامداران اطلاعی نداشتند یا حداقل اینکه مساله‌شان نشده بود و بی‌تفاوت از آن می‌گذشتند. اما راننده تاکسی اینترنتی به سبک و رویه باقی راننده تاکسی‌ها که در همین تهران زیادش را هم داریم، شروع به تحلیل وضعیت موجود کرد. از اعتراضات گفت و از مطالبات هم، اما بخش مهم‌تر صحبت‌هایش، پیش‌بینی‌هایی بود که از آینده داشت. می‌گفت این ابتدای مسیر اعتراضات است، خیلی زود چهارمحال وبختیاری و... دست به اعتراض خواهند زد. آب کم است، آب هم که نباشد، همه چیز به‌هم می‌خورد.

پیش‌بینی‌اش را تا قبل از بازگشت به تهران و برگزاری آن تجمع مشهور در بستر خشک زاینده‌رود جدی نگرفته بودم، منتها وقتی آن تجمع انجام شد و وقتی دیده و شنیده هم شد، وقتی واکنش‌ها را هم برانگیخت، می‌شد حدس زد این سکانس اول ماجراست چرا؟ خب علت آن مشخص بود، آب زاینده‌رود از چهارمحال وبختیاری می‌آید و بعد از اصفهان به یزد می‌رسد. طبیعی است که به‌صورت مستقیم، این سه استان را درگیر کند، خیلی طول نکشید تا این پیش‌بینی درست از آب دربیايد و یکی، دو روز بعد از اصفهانی‌ها در مطالبه آب، مردم چهارمحال وبختیاری



صدای نخبگان، نگاه جوانان FARHIKHTEGAN

@farhikhteganonline2

WWW.FDN.IR روزنامه فرهیختگان

